

گنج پنهان*

حمید وحیدی**

در کتابنامه‌نگاری و معرفی آثار، نوشتن و گفتن از آثار در دسترس، رایج و متداول است، ولی نویسنده این سطور می‌خواهد اثری را معرفی کند که امروز از آن بی‌بهره‌ایم و به تعبیر برخی محققان، گویا آب شده و در زمین فرو شده و یا بخار شده و به آسمان رفته است.^۱

شاید پرسید فایده نگاشتن معرفی‌نامه برای یک اثر گمشده چیست؟ پرسش خوبی است و شاید جواب آن را با خواندن ادامه مطلب دریابید.

* در تدوین این نوشته استفاده زیادی از مقاله «در جستجوی مدینه العلم» شده است. ر.ک: مجید روحی، در جستجوی مدینه العلم، نشریه «حدیث اندیشه» شماره و سال انتشار: سال سوم، ش ۱۰ و ۹، تابستان و بهار ۸۳.

** دانش آموخته و استاد فعلی مدرسه شهیدین (ره)

۱. «فقد هذا الاثر النفیس کأنه صعد به إلى السماء أو اختطفه الطیر أو تهوی به الریح فی مکان بعید» تعبیر استاد علی اکبر غفاری در مقدمه من لا یحضره الفقیه.



گوهر گم‌گشته صدوق (رحمة الله عليه)

توفیق شگفت‌انگیز مرحوم صدوق (اعلی الله مقامه) در جمع‌آوری و تدوین آثار و اخبار معصومان (علیهم‌السلام)، گویای تسلط علمی، پشتکار و تلاش فراوان ایشان برای نگهداری میراث گران‌بهای مکتب تشیع است.

طبق گزارش مرحوم شیخ طوسی، تألیفات ایشان بیش از سیصد عنوان بوده است^۲ و مرحوم نجاشی در کتاب رجال خود، از این مجموعه، حدود دویست نوشته را نام می‌برد.^۳ ولی بیش از نه دهم این میراث ارزشمند به دست ما نرسیده است. دانستن این حقیقت، آه حسرت را از نهاد بلند می‌کند.

از مهم‌ترین و ارزشمندترین کتاب‌های این دانشمند بزرگ، می‌توان به کتاب مدینه العلم اشاره کرد که درباره آن گفته شده یکی از منابع اصیل حدیث شیعه بوده است؛ به گونه‌ای که برخی علما، از تعبیر «کتب خمس» به جای «کتب اربعه» استفاد می‌کنند و کتاب مدینه العلم را هم‌سنگ کتب اربعه قرار می‌دهند. مرحوم حاج آقا بزرگ در الذریعة می‌فرمایند:

کتاب مدینه العلم از جمله تألیفات ابوجعفر محمد بن علی بن الحسین بن موسی بن بابویه قمی، معروف به شیخ صدوق (متوفای ۳۸۱ هـ) است و میان شیعه امامیه، بعد از اصول اربعه، با عنوان پنجمین اصل از آن یاد شده است. شیخ حسین بن عبد الصمد حارثی^۴ در درایه‌اش، درباره این کتاب می‌گوید: «اصول خمسة ما شیعان کتاب‌های کافی، مدینه العلم، من لایحضره الفقیه، تهذیب و استبصار هستند».

۲. شیخ طوسی، الفهرست (للسیخ الطوسی)، ص ۱۵۷.

۳. احمد بن علی نجاشی، رجال النجاشی - فهرست أسماء مصنفی الشیعة، صص ۳۸۹ - ۳۹۳.

۴. پدر شیخ بهائی (رحمة الله علیهما).



شیخ الطائفه و شیخ منتجب الدین در کتاب‌های فهرست خود تصریح کرده‌اند که این کتاب، از کتاب من لایحضره الفقیه بزرگ‌تر بوده است. ابن شهر آشوب در معالم العلماء می‌گوید:

مدینه العلم ده جلد است، در حالی که من لایحضر، چهار جلد است.^۵ ولی با تأسف بسیار این نعمت بزرگ، از عصر پدر شیخ بهائی تا به امروز گمشده و در دسترس ما نیست. عبارت شیخ حسین، پدر بهائی، گویای آن است که این کتاب در زمان وی یا نزد خود او بوده است.

شیخ آقا بزرگ تهرانی در الذریعة می‌گوید:

علامه مجلسی (ره) برای دستیابی به این کتاب، اموال فراوانی را هزینه کرد، ولی بدان دست نیافت. از میان متأخران پس از علامه مجلسی (ره)، مرحوم سید محمد باقر شفتی گیلانی اصفهانی نیز برای به‌دست‌آوردن این کتاب اموال فراوانی خرج کرد، ولی ایشان نیز موفق نشد که آن را بیابد.

البته سید علی بن طاووس در کتاب فلاح السائل و دیگر کتاب‌هایش و نیز در اجازهاش که در مجلدات پایانی بحار الانوار درج شده، از کتاب مدینه العلم احادیثی را نقل کرده است.

همچنین شیخ جمال الدین یوسف بن حاتم، ملقب به الفقیه الشامی، از شاگردان محقق حلی و ابن طاووس، در کتاب خود الدر النظیم - که درباره فضائل ائمه اطهار (علیهم‌السلام) است - به نقل حدیث از کتاب مدینه العلم پرداخته است، ولی به‌طور کلی می‌توان گفت که در زمان ما، جز دست‌نوشته و امضایی از سید شبر حویزی درباره این کتاب، از این گوهر گران‌بها خبری در دست نیست. این اجازه و امضا را سید امین و مورد اطمینان، معین الدین سقاقلی حیدر آبادی برای سید عبدالعزیز - که از شیخ

۵. البته درباره مقایسه‌شدن این کتاب با من لایحضره الفقیه در کتاب‌های ابن شهر آشوب تردید شده است.



احمد جزائری (جدّ سادات آل صافی در نجف) دارای اجازه است - حکایت کرده است.

سقاقلی گفته است که نسخه‌ای از کتاب مدینه العلم شیخ صدوق را در اختیار دارد و از روی آن دو نسخه دیگر نوشته است.

همچنین سقاقلی خاطر نشان کرده است که کتاب مدینه العلم دارای فصل‌بندی خاصی نیست، بلکه چپش احادیث در آن، مانند کتاب روضه کافی است. همچنین سقاقلی، حدیثی درباره فضیلت مجاورت حرم حضرت امیر علیه السلام از حفظ برای سید عبد العزیز بیان می‌کند که سید عبد العزیز معنا و مضمون آن حدیث را این‌گونه بیان کرده است که مجاورت شبی نزد حضرت علی علیه السلام، بهتر از هفتصد سال عبادت و نزد امام حسین علیه السلام، بهتر از هفتاد سال عبادت است.

سید عبد العزیز نیز همه آنچه که گذشت را برای سید شبر بن محمد بن ثنوان حویزی (متوفی بعد از سال ۱۱۸۶ هـ.ق) بازگو کرده است و سید شبر نیز همه آنها را در حاشیه فهرست وسائل الشیعه با خط خود نوشته است. گفتنی است که خود وسائل الشیعه تألیف شیخ حرّ عاملی است. فهرست مذکور نزد سید شبر بوده و در طول سی سال بر آن حواشی می‌نوشته است و من خود این نسخه را در نجف اشرف دیدم والله العالم.^۶

چنان‌که گذشت، علامه مجلسی (ره) و حجت الاسلام شفتی (ره)، با وجود صرف هزینه‌های فراوان به کتاب مدینه العلم دست نیافتند. در بحار الانوار، نوه سید نعمت الله جزائری (ره) درباره تلاش علامه مجلسی (ره) چنین می‌گوید:

پدرم از جدم برایم نقل کرده‌است: «هنگامی که علامه مجلسی (ره) تألیف بحار الانوار را شروع کرد و برای یافتن کتاب‌های قدیمی در تلاش بود، به وی



خبر رسید که در منطقه‌ای از یمن، کتاب مدینه العلم شیخ صدوق (ره) یافت شده است. علامه این خبر را به گوش سلطان هم‌عصرش رساند. سلطان هم برای یافتن کتاب، از میان صاحب‌منصبان دولتی، سفیری انتخاب کرد و وی را همراه هدایای فراوانی، نزد پادشاه یمن فرستاد، [ولی ظاهراً موفق نشد که این کتاب را بیابد]. سلطان درآمد برخی از املاک خصوصی خود را وقف کتاب بحار الانوار کرد تا از این رهگذر، هزینه استنساخ نسخه‌های [مورد نیاز] و مخارج طلاب تأمین شود.^۷

در *عیون أخبار الرضا*، مرحوم صدوق خود، این کتاب را یکی از نگاشته‌هایش ذکر می‌کند^۸ و بزرگانی مانند علامه حلی در *منتهی المطلب*، شهید اول در *ذکری*، سید بن طاووس در *فلاح السائل* و یوسف ابن حاتم عاملی در *الدرالنظیم فی مناقب الأئمة* بی واسطه از این کتاب شریف روایت نقل می‌کنند.^۹

۷. میرزا حسین نوری طبرسی، *الفیض القدسی فی ترجمة العلامة المجلسی، بحار الأنوار*، ج ۱۰۲، ص ۳۴. و ذکره العلامة الرازی العسکری فی *مستدرک إجازات البحار*: «... وسمعت والدی عن جدی رحمة الله علیهما أنه لما تأهب المولی المجلسی لتألیف بحار الأنوار وکان یفحص عن الكتب القديمة ویسعی فی تحصیلها بلغه أن کتاب مدینه‌العلم للصدوق یوجد فی بعض بلاد الیمن فأنهی ذلک إلى سلطان العصر فوجه السلطان أمیراً من أركان الدولة سفیراً إلى ملک الیمن بهدایا وتحف كثيرة لخصوص تحصیل ذلک الكتاب و إنه کان أوقف السلطان بعض املاکه الخاصة علی کتاب البحار لتکتب من غلتها النسخ وتوقف علی الطلبة و من هنا قیل العلماء أبناء الملوک...» - همچنین: سید محسن امین عاملی، *أعیان الشیعة*، ج ۹، ص ۱۸۳ و شیخ عباس قمی، *فوائد الرضویة*، ص ۲۵۶.

۸. شیخ صدوق، *عیون أخبار الرضا*، ج ۲، ص ۲۰۲.

۹. آقای سید محسن موسوی نوشته جامعی در باب کسانی که از این کتاب نقل روایت کرده‌اند و نیز سایر اطلاعات مرتبط با این کتاب در پایگاه اینترنتی خود به آدرس:



مولی محمدتقی مجلسی (م ۱۰۷۰) نیز در *روضه‌المتقین* از استادش شیخ بهایی نقل می‌کند که این کتاب را در اختیار داشته است. وی همچنین پس از اشاره به سخنان حسین بن عبدالصمد عاملی در رساله *وصول‌الأخبار*، می‌افزاید که با این حال خود این اثر را ندیده است و در پایان، نتیجه می‌گیرد که پدر و پسر کتاب را در اختیار داشته، ولی پس از آنان ازدست‌رفته است. چه اینکه به نقل مرحوم مجلسی، شیخ بهایی تعداد کتاب‌هایش را نزدیک به هزار مجلد می‌دانسته، در حالی که پس از وی حدود هفتصد کتاب بیشتر به‌جای نمانده است.^{۱۰}

آقای رسول جعفریان نیز در گزارشی تاریخی از آخرین کسانی که کتاب *مدینه العلم* را دیده‌اند، این جمله را از کتاب *فوائد الارتحال و نتایج السفر فی اخبار القرن الحادی عشر* نوشته مصطفی بن فتح الله حموی نقل می‌کند:

در شرح حال ملا عبدالله بن حسین یزدی از علمای شیعه اصفهان گفته است که وی کتاب *مدینه العلم فی الحدیث ابن بابویه* را نزد سیدجمال الدین محمود شیرازی خوانده است.^{۱۱}

یکی از پژوهشگران کوشیده است تا احادیثی را جمع‌آوری کند که در کتب حدیث از کتاب *مدینه‌العلم* نقل شده است. وی بیشتر این روایات را در کتب اربعه نیز

<http://tazkereh.kateban.com/entry607.html> منتشر کرده‌اند که در این نوشته از آن بهره

گرفته شده.

۱۰. أبی المعالی محمد بن محمد ابراهیم الکلباسی، *الرسائل الرجالیة*، ج ۲، ص ۴۸۷ به نقل از: *روضه‌المتقین*، ج ۱۴، ص ۴۰۴: «وکان یذکر شیخنا البهائی رحمته أن عندنا کتاب مدینه العلم، و هو أكبر من «من لا یحضره الفقیه»، و ذکر أبوه فی الدرایة أن أصولنا خمسة: الكتب الأربعة، و کتاب مدینه العلم، لکنه لم نره، و الظاهر أنه کان عندهما وضاع کما ضاع أكثر کتبهما، و کان یذکر کثیراً أن کتبی ألف کتاب تقریباً، و بعد فوته ظهر منها قریب من سبعمائة کتاب.»

<http://khabaronline.ir/detail/296739/weblog/jafarian> ۱۱



زمان احتمالی مفقود شدن کتاب مدینه العلم

درباره زمان از بین رفتن این کتاب این گونه گفته شده است:

برای پی بردن به این امر می توان از گفته میرزا عبدالله افندی (از علمای قرن دوازدهم) در کتاب *تعليقة أمل الامل* بهره گرفت؛ آنجا که این عبارات را در زیر نام شیخ صدوق (ره) نگاشته است: «ومن كتبه، كتاب مدينة العلم وهو على ما قاله ابن شهر آشوب في معالم العلماء عشرة اجزاء و من لا يحضره الفقيه، أربعة اجزاء. وقال الشيخ البهائي في حواشيه: المستفاد من هذا الكلام أن مدينة العلم أكثر من كتاب من لا يحضره الفقيه بكثير و قد صرح الشيخ في الفهرست أيضاً بأنه اكبر منه، فما في كلام بعض الأصحاب من أنه لا يزيد على كتاب من لا يحضره الفقيه مما لا ينبغي الاغفاء اليه، انتهى. ثم ان هذا الكتاب على ما يظهر من رسالة وصول الأخيار الى علم دراية الأخبار، تأليف والد الشيخ البهائي كان في عصره. ولكن يظهر من سياق كلام البهائي أنه لم يره، فلعله تلف في يد والده في بعض الأسفار. وقد سمعت من شيخنا المعاصر أنه رآه في جبل عامل أيضاً أيام اقامته بها.^{۱۳}»

بنابراین، با توجه به این که سال تولد شیخ بهائی را ۹۵۱ یا ۹۵۳ هجری گفته اند، این احتمال وجود دارد که *مدینه العلم* قبل از تولد شیخ بهایی یا در زمان طفولیت وی،

۱۲. مجید روحی، در جستجوی *مدینه العلم*، نشریه «حدیث اندیشه» شماره و سال انتشار: سال سوم، ش ۱۰ و ۹. تابستان و بهار ۸۳، صص ۱۹-۴۶. این محقق بیست و دو روایات از روایاتی که از کتاب *مدینه العلم* نقل شده است را ذکر کرده است.

۱۳. میرزا عبد الله افندی اصفهانی، *تعليقة أمل الامل*، ص ۲۷۹؛ مجید روحی، در جستجوی *مدینه العلم*، نشریه «حدیث اندیشه» شماره و سال انتشار: سال سوم، ش ۱۰ و ۹، تابستان و بهار ۸۳، ص ۴۳.

یعنی در حدود سال‌های ۹۱۰ تا ۹۵۷ هجری مفقود شده باشد؛ چنان‌که میرزا عبدالله افندی هم به این احتمال اشاره کرده است.

از سوی دیگر، از آنجا که وفات پدر شیخ بهایی سال ۹۸۴ هجری است و قبلاً گفتیم که به احتمال زیاد، *مدینه‌العلم* در اختیار وی بوده، یا حداقل بدان دسترسی داشته است، چنین فهمیده می‌شود که احتمالاً پدر شیخ بهایی از چگونگی از بین رفتن آن مطلع بوده باشد.^{۱۴}



۱۴. مجید روحی، در جستجوی *مدینه‌العلم*، نشریه «حدیث اندیشه» شماره و سال انتشار: سال سوم،

ش ۱۰ و ۹، تابستان و بهار ۸۳، ص ۴۳.